

## آیا برداشتن قدم دوم قبل از قدم اول ممکن است؟

درین اواخر بار دیگر پس از نشر مطلبی تحت عنوان «پیوند مقامات عالی رتبه افغان در کشتار های دسته جمعی دهه نود»، که بعنوان ترجمه از روزنامه «نیویارک تایمز» یاد شده و در «پورتال افغان جرمن آنلاين» در «دریچه نظر خواهی» گذاشته شده است، موضوع «جنايات جنگی» در اذهان و گوش های مردم ما طنین انداز گردیده است. محتوای مطلب این روزنامه، که بعضاً شاید به آن «مدال» و یا جایزه پیشنهاد نمایند، برای هر افغان بشر دوست و وطن دوست، باید قابل اندیشه باشد. خصوصاً وقتی، در نخستین «پراگراف» می نویسد: «حوادثی است که مولود زمین سوزی و نبرد های ناشی از اختلافات قومی، تنظیمی و فرقی بوده...»، اختلافات قومی را بر همه عوامل مندرکه، تقدم می بخشد. برای هر افغان و هر انسان جدی، با درک و شناخت از تاریخ وطن ما افغانستان، «جای خجالت» است، اگر این چنین اظهارات را بدون ثبوت و ارزیابی های کمی و کیفی بپذیرد. هر گاه کسی علل اصلی بحران افغانستان را ناشی از اختلافات «قومی» بپذیرد، بدون آنکه تحلیل دقیق اجتماعی درین زمینه صورت گرفته باشد، می تواند ظلم به هر افغان و خیانت به بشریت تلقی و چنین افراد می توانند، به وحدت ملی ما ضربه زنند. این ادعا می توانست فقط در حالتی انسان را به چنین گمان تسلیم دهد، که «هیچ پشتون کشته از دست پشتون»، «هیچ تاجیک کشته از دست تاجیک»، «هیچ هزاره کشته از دست هزاره» و بهمین ترتیب در مورد همه اقوام مسکون وطن ما همچو جمله صدق می کرد و خلاصه اینکه در سالهای همین بحران، چنین واقعه یافت نمی شد. درست است که بعضی روزنامه، وقتی گروه های مختلف اجتماعی را با زبانهای متعدد محلی در کشور ما می بینند، معلومات آنها در باره وطن ما ناچیز است، مطالب ذهنی و حدسیات را برای خوانندگان خود می نویسند. آیا ما هم نیازی به همچو معلومات عام و احتمالاً ناقص داریم؟

هر انسان، با صرف نظر از آنکه دارای تحصیل علمی بلند باشد و یا نباشد، کلمه عدالت را شنیده و بخصوص اتباع مسلمان ما، خواهان تطبیق عدالت اند. موضوع «تطبیق عدالت» در اجتماعات انسانی که در آن پیروان هر دین و مذهب و یا اتباع با داشتن عقاید و نظریات انسانی متفاوت، زندگی دارند، نیازمند سیستم قضائی آزاد و با صلاحیت اند. قضات در همچو جوامع از نگاه سلامتی جسمی و روانی، در سطح نهایت عالی و ممتاز قرار می داشته باشند، که بدین علت مقام آنها، با ثبات و دوامدار می باشد. در کشور ما که بیش از سی سال جنگ جریان دارد، چه بسی ویرانی هایی نیست که ندیده باشیم. این جنگ خواست مردم ما نبوده و نیست، اما هر روز زندگی انسانهای معصوم و بی گناه را می بلعد. در تمام جوامعیکه در تاریخ آنها، حوادث مشابه صورت گرفته است برای رسیدن به مرحله صلح و آرامش، وظایف معینی را بطور تدریجی یا قدم بقدم، با در نظر داشت امکانات مصئون دست داشته، انجام داده اند. انجام چنین وظایف را دول آنها، به مراجع قانونی سپرده اند. توضیح تاریخ خود را هم در شرایط صلح و آرامش بکمک فرزندان صدیق خود، بسر رسانیده اند.

زیرا اجرای بعضی از وظایف، به درک و دانش خاص مسلکی، علمی و قانونی نیاز داشته، اجرای سپردن مجرمین به دست عدالت، در قدم اول، به «سیستم خاص» برای تطبیق عدالت» نیازمند است. عدالت و قضاوت سالم خونسردانه، بر اساس نظر خواهی افراد آزاد جامعه صورت نمی گیرد. وقتی سیستم سیاسی، حقوق، اداری با ثبات، در دست «حامیان قانون» و حامیان قانونی منافع فردفرد جامعه قرار گرفت، در انصورت ممکن خواهد بود، تا بر اساس، «پیش کشیدن اقامه های دعوی» بمقامات قانونی رسمی، مبتنی بر اسناد ثبوت انکار نا پذیر، که هیچ نوع شک و تردید، در مورد مسئول اصلی باقی نماند، بر ضد هر کسی که مجرم باشد، اقدام صورت گیرد. بدین ترتیب بکمک ارگانهای دولتی و محاکم، قدم بقدم، می توان جامعه را از وجود، زور گویان، «پاک» کرد. لیکن هر گاه بدون داشتن فضای امنیت، عدم وجود نظام حقوقی و قضائی مستقل، چنین نتیجه گیری ها را، سطحی قبول کرد که ممکن باعث قتل انسانها، بخواست دسته بیا خاسته، افراد غیر مسئول گردد، بناءً هر گاه چنین اعمال خارج از محیط و چوکات مصئون قانونی در یک جامعه صورت گیرد، آنرا قتل می شمارند.

گاه گاه قضات در همین جوامع پیشرفته می گویند، که قضات خونسرد، می کوشند، تا در صورت «صدور حکم» توجه بخرچ دهند، تا نشود که یک بی گناه، نا حق محکوم شود. هستند قضاتی که می گویند، اگر «صد تن» مجرم رها گردد، «ترجیح» می دهند، تا یک معصوم محکوم و یا ناحق «اعدام» شود.

بعضاً این لیست و در یافت «عکس» ها را که «نیویارک تایمز» انتخاب نموده و به چاپ رسانیده است، ممکن یک اختراع و «شهکار» بدانند. نویسنده این مطلب کوتاه، هیچگاه در دفاع از مجرم بر نمی خیزد. این لیست را هم می توان نا مکمل دانست. فرق میان حقوق، سیاست و غیره اصطلاحات معمول را می پذیرد. ولی وقتی «قضاوت عادلانه» مطرح می گردد، باید «سیستم قضائی» هم آزاد، بی طرف و بدون وابستگی ها به جوانب مدعی و مدعی علیه باشد. بشریت نباید، خود را تسلیم، «محکمه دلخواه پیروزمندان» سازد. البته برای کسانی که از سیستم های حقوقی و امور دولتی، آگاهی نداشته باشند، یا اینکه ندانند که دولت های رشد یافته، از حیات مردم خود، با چه نظم ممکن حمایت و حفاظت می کنند، ممکن مرتکب اشتباهات شوند.

از کنفرانس «بن» در باره افغانستان، با وجود همه کمبودی ها، انتظار جهانیان در انجام وظایفی بوده است، تا «سیستم اداری مؤقت» در زمینه های «ملت سازی» و در قدم اول با ختم «جنگ» و برقراری صلح، «سیستم قضائی مستقل» را فراهم نماید. اینرا هر انسان دارای حد اقل درک می داند، که سیستم قضائی، بر مبنای قوانین استوار می باشد و این قوانین را دول هر جامعه خود طرح و تصویب می نمایند. نوسنده نمی خواهد، در برابر، روزنامه نیویارک تایمز و یا در رابطه با « بعضی از دولت مردان افغان و مأمورین سفارت امریکا تشویش دارند» چیزی بگوید.

از چنین مطلب، حساس چگونه می تواند، آنها را از یک متن « ۸۰۰ صفحه» و یا گزارشی در باره همچو موضوع حساس، مقاله پنج صفحه ای از هرنگاه مطلوب، آنها برفع جامعه ما فورمولبندی شده باشد. احتمالاً این سند در «ارشیف» یک روزنامه رسیده باشد، قبل از آنکه مصالح جامعه و کشور سنجیده شده باشد. اینجا موضوع امنیت در درجه اول مطرح است. شواهد ثبوت باید از طرف ارگانهای با مسئولیت حفاظت شود. این معلومات فروشی، به مراجع بی ربط خود مورد سوال است. دست نخوردن محلاتیکه در آن، گمان می رود که «جنایت علیه» بشر در آن محل صورت گرفته باشد، در آینده از اهمیت فوق العاده در تطبیق عدالت برخوردار است. نباید از نظر دور داشت، که بشر دوستان، حتی «قتل» یک انسان را «خیلی» زیاد می دانند، چه جائیکه تعداد زیاد باشد. از جانب دیگر، مفهوم دیگری در صف حقوق دانان و بشر دوستان وجود دارد که می گویند «قتل فراموش نمی شود». در کشور ما صد ها هزار انسان ظالمانه بقتل رسیده اند، که اقارب آنها برای آنها قبر کنده اند، در جمله این لیست، محلات قبر های انفرادی آنها در روزنامه مورد نظر شامل نیستند. آیا وابستگان همچو «شهاد» حق ندارند علیه قاتلین آنها، چه شناخته شده و چه شناخته نشده باشند، اقامه دعوی کنند؟ اگر تلاش در تطبیق عدالت صورت می گیرد، نباید، امنیت و زندگی زنده به خطر بیفتد. در حال حاضر ما در صف افغانهای «مهاجر» هم چنان اتباع «دوگانه» داریم، بمعنی اینکه، تابعیت دو دولت را دارا اند. در ایالت های امریکا بطور مثال، ممکن است نمونه های قوانین مختلف، جنبه عملی داشته باشند. این هموطنان ما ممکن در آنجا، با حقوق پیشرفته امریکا بلدیت داشته باشند، آیا از اوضاع وطن افغانها و باشندگان آن واقف هستند؟ تعجب اینست که اگر تمام متن گزارش در دست روزنامه افتاده باشد، آخر برای مرجعی که ما از آن بعنوان «مدافعین حقوق» بشر شنیده ایم، این امر روشن است، که ممکن تلاش «کسب شهرت» را با «افشای» اسناد دسری داشته باشند؟ از جانب دیگر بصراحت اظهار میدارم که از هیچ یکی ازین افرادی که عکس های آنها به چاپ رسیده اند، دفاع نمی کنم، خود آنها باید از خود دفاع کنند. از جهت حقوقی آموخته ام، که مجرم کسی است، که یک محکمه قانونی حکم مجرم بودن وی را صادر کرده باشد.

بعد از یازده سال، وقتی از مسئولین بلند پایه می شنویم که خود چنین اظهار می کنند: «در افغانستان باید یک اداره با صلاحیت داشته باشیم». خیلی عجیب است، این مقام که خود در طول، این زمان، در مقام بلند پایه، معاش عالی گرفته است، آیا در وقت اجرای وظیفه فاقد صلاحیت بوده است؟ این چه نوع روحیه بوده است که ده سال را بدون صلاحیت سپری نموده است.

## ختم